

مربیان با دانش فوتبال اردبیل

خبر مربوط به گفته‌های رئیس هیئت فوتبال استان اردبیل در مجمع سالیانه این هیئت که در شهریور ماه سال 99 در خبرگزاری مهر انتشار یافته روز گذشته در فضای مجازی دوباره بازتاب گسترده‌ای داشت.

برخی از مربیان و زحمتکشان فوتبال به موضعگیری رئیس هیئت فوتبال استان در قبال مربیان این رشته پرداخته و بر حرف او مبنی بر کمبود مربی متخصص فوتبال در اردبیل به شدت اعتراض کرده‌اند.

وقتی یکی از مربیان رزومه دار فوتبال اردبیل تماس گرفت و خواستار دفاع پایگاه خبری ناظر ورزش از حقانیت مربیان منطقه شد به او گفتم که تصمیم بر آن دارم که کمتر به مسائل فوتبال استان اردبیل بپردازم. دلیلش را پرسید و گفتم که هر چقدر در باره واقعیت‌های فوتبال استان بنویسیم به همان مقدار، مسئولین ورزش در تقویت وضعیت موجود اقدام می‌کنند، اگر به قانون شکنی‌ها و تخطی از مواد اساسنامه اشاره بشود و بر قول‌های عملی نشده تأکید گردد، حمایت از بی‌قانونی‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد و در حالی که بی‌توجهی به اساسی‌ترین بندهای اساسنامه روشن و مشخص است، اصرار می‌ورزند که کار صحیح است و بی‌عیب.

وقتی این چنین واقعیت‌ها وارونه می‌شود و گنجشک را به جای قناری به جامعه تحمیل می‌کنند گفتن‌ها و نوشتن‌ها چیزی جز آب در هاون کوبیدن نیست. باید منتظر ماند تا زمانی که افراد صادق و دشمنان دروغ و دروغگویی بر مدیریت تکیه بزنند و آنگاه می‌توان برای تحرک در بخش‌های مختلف از جمله ورزش و فوتبال امیدوار شد.

آن دوست فوتبالی و خوشنام گفت: گفته‌ات درست و منطقی است ولی ما هم شرعا و قانونا وظیفه داریم که در بیان حقایق بکوشیم تا در پیشگاه خداوند احساس شرمندگی ننماییم. مردم با آن چه در جامعه می‌گذرد و با رفتاری که هر یک از مسئولین دارند به خوبی آشنا بوده و ویژگی همه آن‌ها را می‌شناسند، ما به وظیفه خود عمل نکنیم و قضاوت را به مردم واگذار نماییم. سکوت در مقابل عملکردهای صفر درجه‌ای و رفته‌رفته خارج از چارچوب صداقت آرزوی همه کسانی است که بر خلاف منافع ورزش و فوتبال گام بر می‌دارند پس باید گفت و نوشت هرچند که در ازایش تاوان بدهیم و با ناملایمات مواجه شویم.

روایت انجام یافته، نوعی کم لطفی و بی‌احترامی به کسانی است که در دنیای مربیگری در سطح کشور چهره‌ای شناخته شده می‌باشند. اردبیل مربیانی را به فوتبال کشور معرفی کرده که پله‌های پیشرفت را در سایه توانایی، علم، دانش و فهم خود طی کرده و در تیم‌های ملی و باشگاه‌های مهم و شناخته شده به عنوان سرمربی و مربی انجام وظیفه نموده‌اند.

بارها دیده شده است که دعوت از یک نونهال و نوجوان به اردوی استعدادیابی در شمال غرب کشور از طرف مسئولین فوتبال استان با آب و تاب بیشتر منعکس شده و در اطرافش مانور داده می‌شود ولی به راحتی و در مقابل دیدگان فوتبالی‌ها منکر وجود مربیان و مدرسین با دانش این رشته پرترفدار می‌شوند. تعجب موقعی بیشتر می‌شود که در آن جلسه برخی‌ها که خود را پیشکسوت فوتبال، خاک خورده آن و کارشناس خیره می‌دانند با تکان دادن سر و قبول خفت و سرافکندگی به راحتی حق مربیان صاحب سبک استان را پایمال کرده و یک نسبت ناروا به فوتبال و فوتبالی را با جان و دل پذیرا شده‌اند.

رفتار این چنینی باید ریشه یابی گردد و دلایلش روشن و آشکار بشود. مثال ساده و روشنی می‌تواند بر روشنی هر چه بهتر بحث کمک و مساعدت نماید. حضور یک مدرس داوری در کلاس داوری D به افتخار بزرگی برای هیئت فوتبال استان تبدیل می‌شود ولی اداره کلاس مربیگری B و C آسیا توسط مربیان لایق و مدرسین کاردان اردبیلی با بی‌توجهی هیئت مواجه می‌شود. این رفتار متناقض چرا و چگونه از سوی مسئولینی که باید همه وابستگان یک رشته را به یک چشم ببینند رخ می‌دهد؟ چه کسی زمینه را برای برخوردهایی از این جنس آماده می‌کند و چه هدفی در این راستا دنبال می‌شود؟

مربیان شناخته شده و کارنامه دار اردبیلی سرمایه فوتبال منطقه می‌باشند. آیا بهتر نیست که ادعای خود را با مستندات در پیشگاه افکار عمومی ثابت بکنیم. چرا برخی‌ها توان تحمل چهره‌های برتر را ندارند؟ به چه دلیل برای بعضی‌ها مرغ همسایه غاز است و علف در آغل تلخ!

مثال دیگری را ذکر کنیم. بر اساس سیاستی که کمیته آموزش فدراسیون در حال حاضر به مورد اجرا می‌گذارد در برگزاری کلاس‌های مربیگری از مدرسین بومی استفاده می‌شود. چرا با بودن مدرسینی چون مرسل و قری و قادر تیموری در استان به مدرسین استان‌های همجوار پناه می‌بریم؟ آیا بهتر نیست در این ارتباط شفاف سازی بکنیم. شفاف سازی می‌تواند

روشن بکند که چه کسانی دغدغه خدمت به فوتبال دارند و چه کسانی عرصه فوتبال را به میدان تسویه حساب‌های شخصی تبدیل می‌کنند.

شفافسازی فرق دوغ و دوشاب را معلوم می‌کند و حداقل دلایل ترجیح دادن مدرس غیر بومی بر مدرس بومی را مشخص می‌نماید. شفافسازی در این ارتباط معلوم می‌کند که چه افرادی و با چه قصد و نیتی مصالح فوتبال را فدا و فناء خودخواهی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها می‌کنند.

یک سؤال

اگر رئیس هیئت فوتبال استان به گفته‌اش ایمان دارد چرا هر روز بر تعداد مدارس فوتبال در استان و شهر اردبیل

افزوده می‌شود؟ به کدامین منطقی هیئت فوتبال موافقت می‌کند تا بچه‌های مردم برای آموزش در اختیار مربیانی قرار بگیرند که بر بی‌دانشی و بی‌سوادی آن‌ها معتقد است. آیا چنین اظهار نظری ضربه به جایگاه مربیان و مدارس فوتبال نیست؟ اگر اعتقادمان بر متخصص نبودن مربیان است تخته کردن درب‌مدارسی که مجوزشان با امضای رئیس هیئت فوتبال صادر شده است از هر چیز دیگری واجب و اجابت‌تر است.

تناقض در گفتار

قدر سرمایه‌ها و داشته‌های خود را بدانیم. عدم همراهی یک یا چند نفر با اقدامات ما را دشمنی تلقی نکنیم و با استفاده از قدرت بر بایکوت و منزوی کردن آن‌ها کوشش نکنیم. همه مربیان و همه کسانی که عاشقانه در راه ورزش و فوتبال تلاش می‌کنند عزیز هستند و گرامی. مسئولین باید در جهت هم‌افزایی و بالا بردن میزان همکاری و حاکم کردن وحدت و یکرنگی در جامعه فوتبال بکوشند، گزینشی عمل کردن و تأکید بر هدفی چون "هر کس با من نیست محکوم به فنا و سکوت است" تیشه به ریشه ورزش و فوتبال می‌زند.

اگر رفتار و خط مشی خود را تغییر ندهیم و آن را در مسیر نفع جامعه، فوتبال و ورزش قرار ندهیم فردای قیامت در پیشگاه احدیت حرفی برای گفتن نخواهیم داشت. صفحات شخصی برخی از فوتبالی‌های استان در فضای مجازی و عکس‌العمل آن‌ها به گفته‌های یاد شده نشان دهنده واقعیت‌های موجود در فوتبال منطقه است. این عکس‌العمل‌ها مثنی است نمونه خروار.